

شرق روزنامه

نگاه

جرا دونالد ترامپ انتخاب شد



هارون یحیی

در هشتم نوامبر آمریکایی‌ها به پای صندوق‌های رأی رفتند تا رئیس‌جمهور جدید این کشور را انتخاب کنند. نه فقط خود آمریکا، بلکه کل دنیا با دقت مبارزات انتخاباتی بین دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات را از نزدیک پیگیری می‌کردند، چراکه در آینده روابط کشورها با دولت جدید آمریکا تأثیرگذار بود. درواقع، کشورهای دیگر به دنبال پاسخی برای این سؤال بودند که آیا آمریکا به دخالت خود در درگیری‌های بین‌کشورهای دیگر ادامه خواهد داد یا تمرکز خود را معطوف نیازها و منافع ملت خود خواهد کرد.

نتایج غیرمنتظره بود و دونالد ترامپ به عنوان چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور ایالات متحده انتخاب شد. برخی از اظهارات ترامپ در سخنرانی‌های انتخاباتی خود درباره مهاجران، مسلمانان، زنان یا اسلام تحت هیچ شرایطی پذیرفتنی نیست. باوجوداین،امیدواریم ترامپ با قرارگرفتن در جایگاه ریاست‌جمهوری تغییر کند، چراکه در اولین سخنرانی خود بعد از انتخابات به‌موطنان خود پیام وحدت و یکپارچگی فرستاد و وعده داد با همه دولت‌هایی که قصد همراهی با آمریکا را دارند روابط حسنه داشته باشد. همچنین ترامپ برخی از اظهارات خود را نیز اصلاح کرد؛ به‌این‌رتیب که گفت با وجود صف طولیل مهاجران قانونی که منتظر ورود به این کشور هستند، او اجازه ورود مهاجران غیرقانونی را نخواهد داد.

پیش‌بینی شرایط خاورمیانه در صورت پیروزی هیلاری کلینتون دشوار نبود. کلینتون در طول سال‌هایی که وزیر خارجه آمریکا بود سیاست خصمانه‌ای در خاورمیانه در پیش گرفت و در طول مبارزات انتخاباتی خود نیز اظهاراتی مشابه به زبان آورد. این قطعا به معنای جنگ‌های بیشتر در خاورمیانه بود. اگرچه باراک اوباما به شعار «تغییر» بر صندلی ریاست‌جمهوری آمریکا تکیه زد، قول داد آمریکا را وارد منازعات و بحران‌های خارجی نکند و سیاست صلح‌جویانه‌ای را در پیش گیرد. اوباما حتی در دوران ریاست‌جمهوری خود موفق به دریافت جایزه صلح نوبل نیز شد. باوجوداین، هم‌اکنون آمریکا در عملیات‌های نظامی مختلف در خاورمیانه حضوری فعال دارد.

با این تفاسیر، نتیجه این انتخابات حاکی از سرشکستگی مردم آمریکا از دولتی‌است که بیش از هشت سال است با آن سروراک دارند. تصور مردم آمریکا این بود که انتخاب اوباما نتایج متفاوتی را رقم خواهد زد و این در حالی است که اوباما نتوانست این انتظارات را برآورده کند. البته عادلانه نخواهد بود همه انتقادات را متوجه شخص اوباما کنیم، چراکه او تنها تصمیم‌گیرنده دولت آمریکا نیست. برای هرکاری رئیس‌جمهور آمریکا نیازمند همراهی و اجازه‌کنگره است که خود شامل مجلس سنا و مجلس نمایندگان می‌شود. همچنین به‌جز دستورات اجرائی، نمایندگان و سناتورهاای‌کنگره آمریکا می‌توانند تصمیمات رئیس‌جمهور را وتو کنند. درباره دولت اوباما نباید فراموش کرد اکثریت نمایندگان و سناتورها اعضای حزب جمهوری‌خواه بودند و همین امر آزادی عمل اوباما را محدود کرده بود. از این منظر، دولت جدید آمریکا وضعیت به‌مراتب بهتری دارد، چراکه هم رئیس‌جمهور و هم اعضای‌کنگره از یک طیف سیاسی هستند؛ اتفاقی که از دهه دوم قرن بیستم تا به حال رخ نداده بود. اگرچه بر کسی پوشیده نیست برخی از جمهوری‌خواهان موافق ترامپ نیستند، اما احتمالا ترامپ به دنبال همراه‌کردن آنها نیز خواهد بود و با آنها نیز به تقاهم خواهد رسید.

اگر بخواهیم نتایج این انتخابات را از زاویه خاورمیانه تحلیل کنیم، باید پذیرفت برخی کشورها از پیروزی ترامپ خوشحال و برخی دیگر نیز نگران هستند. روی کار آمدن دولتی که دست دوستی و صلح به طرف روسیه دراز خواهد کرد امیدوارکننده است، چراکه چنین پیوندی ممکن است به معنای گشایشی در بحران سوریه و عراق باشد.

موضع ترامپ در قبال ترکیه نیز مایه خرسندی است از این جهت که یکی از گزینه‌های موردنظر برای تصاحب پست وزارت دفاع آمریکا ژنرال «مایکل فلین» در مقاله‌ای در روزنامه هیل از اهمیت ترکیه به عنوان یکی از متحدان آمریکا سخن گفته و افزوده است ترکیه نیازمند حمایت آمریکاست. این موضع‌گیری باعث می‌شود به آینده روابط ترکیه و آمریکا امیدوار بود؛ روابطی که به دنبال عملیات‌های ارتش آمریکا در سوریه و نیز حمایت‌های تسلیحاتی آنها از یگان‌های آزادی خلق وابسته به حزب دموکراتیک کردستان به تازگی تیره شده است. اما این خوش‌بینی تا حدودی درباره ایران صدق نمی‌کند. ترامپ در سخنرانی‌های انتخاباتی خود به عنوان منتقد توافقی هسته‌ای بین ایران و شش قدرت جهانی ظاهر شد. برای ایرانیان، توافق هسته‌ای یک پیروزی دموکراتیک تلقی می‌شود که منتج به برداشته‌شدن تحریم‌ها شد و فرصت پیوستن به جامعه جهانی را یک بار دیگر فراهم کرد. برادران ایرانی ما نباید از نتیجه این انتخابات نگران باشند. نخست اینکه توافقی هسته‌ای توافقی بین‌المللی است که بخواهیم بود.

بین ایران و شش کشور دیگر امضا شده است و آمریکا نمی‌تواند یک‌جانبه آن را لغو کند. همچنین لحن ترامپ بعد از انتخابات تغییر کرده و در تازم‌ترین موضع‌گیری خود صحبت از بررسی، نه لغو آن به میان آورده است. بدیهی است اظهارات انتخاباتی همیشه با واقعیت هم‌خوانی ندارند.

از آنجایی که ترامپ سیاست خارجی بهتری را در خاورمیانه خواهد داشت به احتمال قوی به‌دنبال حفظ رابطه خوبی است که در نتیجه توافقی هسته‌ای به دست آمده است. همچنین همراهی بیشتر با ترکیه و روسیه بر رابطه بین آمریکا و ایران نیز تأثیر خواهد گذاشت. چنین موضع‌گیری قطعا حمایت ملت ایران را به دنبال خواهد داشت و بهتر است از واکنش‌های منفی ضدآمریکایی که در صورت نقض توافق هسته‌ای حتمی است، در ایران جلوگیری شود، چراکه نه به نفع آمریکا خواهد بود و نه به نفع کل منطقه. ما مسلمانان خاورمیانه که در طول سال‌های گذشته قربانی جنگ و خون‌ریزی بوده‌ایم، انتظار داریم ترامپ سیاست بهتری را نسبت به دولت قبلی آمریکا در خاورمیانه در پیش گیرد و راه‌حلی دیپلماتیک برای حل بحران عراق و سوریه پیدا کند.

یادداشت

مذاکره مستقیم با «کیم جونگ‌اون»

آیا رهبری در آمریکا می‌تواند مذاکرات مستقیم با «کیم جونگ‌اون»، رهبر کره‌شمالی داشته باشد؟
صدالبته این برای «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا مسئله‌ای نیست چراکه رئیس‌جمهور منتخب آمریکا در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری چندباری به این موضوع اشاره و آن را روشن کرد. ترامپ در ماه می ۲۰۱۶ گفته بود: چراکه نه! چه مشکلی در مذاکرات با رهبر کره‌شمالی وجود دارد؟ ترامپ گفت می‌خواهد با کیم جونگ‌اون درباره «سلاح‌های هسته‌ای لعنتی» او صحبت کند، حتی اگر شانس موفقیت این مذاکرات ناچیز باشد.

این سیاست‌مدار و میلیاردر آمریکایی گفته بود حاضر است پذیرای رهبرکره‌شمالی در واشنگتن باشد. او اظهار کرد: من میزبان ضیافت ناهار دولتی برای او نخواهم بود و البته همین کار را در قبال چنین‌ها و دیگرانی که ما را غارت کرده‌اند، انجام می‌دهم. ترامپ در ادامه این حرف‌هایش تأکید کرد: من به جای آن میزبان این رهبران کمونیست در یک میز کنفرانس خواهم بود و به آنها «همیشه» خواهم داد.

البته این حرف‌های او با انتقاد شدید در آمریکا مواجه شد، اما در پیونگ‌یانگ این سیاست‌مدار جمهوری‌خواه با تحسین روبه‌رو شد. رسانه‌های دولتی کره‌شمالی ترامپ را به عنوان یک «سیاست‌مدار عاقل» تحسین کردند. «مایکل مادن»، استاد دانشکده مطالعات بین‌المللی به دانشگاه «جان هاپکینز» به «وینچپه‌وله» گفت: نمی‌خواهم درباره حرف‌های قبیل از انتخابات ترامپ اظهارنظر کنم.

در آوریل ۲۰۰۹ کره‌شمالی به صورت یک‌جانبه از مذاکرات به اصطلاح شش‌جانبه شامل کره‌جنوبی، روسیه، چین، ژاپن و آمریکا خارج شد. از آن زمان تاکنون مذاکرات رسمی میان پیونگ‌یانگ و واشنگتن متوقف شده است. این حقیقت که کره‌شمالی در زمان ریاست‌جمهوری اوباما، شش جمهوری‌خواهان حائز اهمیت بوده و آنها دولت اوباما را متهم به جسارت‌نداشتن در قبال کره‌شمالی می‌کنند.

سؤال این است؛ هنگامی که یک رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه در واشنگتن روی کار بیاید، چه تفاوتی در این وضعیت به وجود خواهد آمد؟

مادن استدلال کرد: تا زمانی که ترامپ سیاست کره‌شمالی را در صد روز اول دولتش به عنوان یک اولویت تعیین نکند، احتمالا شاهد دوری زیاد از سیاست فعلی آمریکا در قبال پیونگ‌یانگ نخواهیم بود.

این چیزی است که البته کره‌جنوبی به آن امید دارد؛ یعنی تغییرنکردن سیاست آمریکا در قبال کره‌شمالی. اما ترامپ در مصاحبه با سی‌ان‌ان پس از آزمایش هسته‌ای ششم ژانویه ۲۰۱۶ کره‌شمالی، کره‌جنوبی را کشوری خواند که در ازای کمک آمریکا «چندراغاز» پول داده است. او همچنین در این مصاحبه چین را محکوم کرد و گفت: چنین‌ها مدعی هستند هیچ کنترلی بر کره‌شمالی ندارند درحالی‌که کنترل کامل پیونگ‌یانگ را در دست دارند و کره‌شمالی بدون حمایت چین، غذای کافی برای خوردن نخواهد داشت و چین باید مشکل را حل کند.



عکس: Gettyimage

شبح راست افراطی در آسمان فرانسه

درحالی‌که احزاب سنتی میانه متأسفانه صدای این اعتراض را نمی‌شنوند و تنها دو نیروی سیاسی در جبهه ملی و چپ رادیکال به نسبت متفاوت درک بهتری از شرایط کنونی دارند اما در این بین آن نیرویی که به‌خوبی می‌تواند از این وضعیت استفاده کند، تنها اردوی خانم لوین است. هم‌اکنون معتبرترین و پذیرفتنی‌ترین مواضع و پرسنپ‌های حزبی را ائتلاف چپ رادیکال نمایندگی می‌کند اما وزن «کمی» این جناح در حدی نیست که بتواند نقش بازدارندگی را در مقابل جبهه ملی ایفا کند.

در چنین شرایطی که ناراضیانی از وضع موجود و بی‌اعتباری دو حزب سنتی فرانسه هیچ امکان و ضرورتی را برای چپ رادیکال ایجاد نمی‌کند که با چنین نیروهایی وارد ائتلاف شوند، راه برای عروج جبهه ملی در انتخابات ۲۰۱۷ بیش از همیشه باز شده است. هرچند شاید در دور دوم به واسطه سنت‌های دموکراتیک جامعه فرانسه چنانچه انتخابات به دور دوم برسد، رای‌دهندگان «دستکش‌پوش و بینی‌گرفته» برای رای‌دادن به گزینه کم‌خطرتر به میدان بیایند ولی این‌بار برعکس مبارزه بین ژان شیراک و «لوین پدر» در ۱۵ سال پیش، دامنه‌های چنین موجی به‌شدت کوتاه‌تر خواهد بود.

از آنجا که هیچ‌کدام از احزاب سنتی و حتی چپ رادیکال تا امروز یک برنامه حداقلی حول «اتحاد عمل» نیروهای معتدل ارائه نکرده‌اند، فعلا گمانه‌زنی دراین‌باره چندان منطقی و عاقلانه نیست. از طرف دیگر با حذف سارکوزی که می‌خواست با سلاح جبهه ملی وارد رقابت نهایی شود ولی شکست خورد و حذف شد، هم‌اکنون این برند افراطی بدون گزند در اختیار مارین لوپن قرار دارد و نسخه اصل را هیچ نسخه بدلی تهدید نمی‌کند. در فرصت باقی‌مانده تنها ائتلاف چپ رادیکال می‌تواند با ارتقای سطح مطالبات و ایجاد یک جنبش فراگیر اجتماعی برای کسب حقوق طبقات زیرین بسیار فراتر از نرم‌های پیشین در دوقطبی آینده یک عامل بازدارنده (از جمله مبارزه قاطع با برنامه‌های نئولیبرالی و ریاضت اقتصادی) را در مقابل جبهه ملی سازمان دهد. حتی در چنین شرایطی نیز چنانچه حزب سوسیالیست با بدنه حزبی آن با این موج همراهی نکنند، امکان گزینه «الترناتیو» محقق نیست و انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه یک رقابت به‌شدت راست‌گرایانه خواهد بود که یک پسرقت بزرگ را برای فرانسه به ارمغان خواهد آورد.

کرد، ظاهرا از قبل یک بیمه‌نامه را برای خانم لوین جهت پیروزی یا حداقل رسیدن به دور دوم تضمین کرده است.

هر دو جناح سنتی راست و چپ میانه هم‌اکنون به نوعی پذیرفته‌اند که انتخابات آینده ریاست‌جمهوری مبارزه بین جبهه ملی و یک کاندیدای برگزیده از بین دیگر جناح‌ها در دور دوم است و به همین دلیل استراتژی انتخاباتی خود را حول رسیدن به دور دوم تدوین کرده‌اند. بدون شک در آینده نزدیک هم سوسیالیست‌ها برای گزینش کاندیدای نهایی خود برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری درگیر همین کشمکش خواهند شد که با توجه به افول شدید اعتبار و همچنین نبود یک رهبر درخوراعتنا در موقعیت سختی قرار می‌گیرند. به همین دلیل چنانچه جناح چپ فرانسه در قالب دو حزب سوسیالیست و ائتلاف چپ رادیکال به صورت مستقل وارد این کارزار نهایی شوند، هیچ شانس‌ی حتی برای ورود به دور دوم انتخابات هم نخواهند داشت.

پراکندگی و تشتت در جناح‌های چپ فرانسوی در چند سال اخیر به دلیل فاصله‌گرفتن حزب سوسیالیست از حداقل مطالبات عدالت اجتماعی تا حدود زیادی مانع از هم‌پیمانی و نزدیکی با ائتلاف چپ این کشور به رهبری «ملاننشون» شده است و با توجه به اصرار سوسیالیست‌ها بر مواضع فعلی خود امکان تشکیل جبهه واحد چپ دور از ذهن خواهد بود. اتفاقا جامعه فرانسوی یکی از معدود جوامعی است که سنت‌های ماتریال و عدالت‌طلبانه در حوزه سیاسی – اجتماعی آن نسبت به دیگر جوامع اروپایی بسیار قدرتمندتر است و چپ پایگاه اجتماعی قدرتمندی در آن دارد. این کشور هنوز تحت‌تأثیر جنبش «کمون پاریس» و انقلاب کبیر فرانسه است و در طبقات زیرین اجتماعی و سندیکاهای کارگری میراث این جنبش‌های تاریخی، ماندگاری خود را تا حد زیادی حفظ کرده است اما تجدیدنظرطلبی افراطی حزب سوسیالیست در گردش به راست و تشتت در جناح چپ به میزان زیادی موجب ریزش آرای آنان در چند سال اخیر شده است. فرانسه در شرایطی به استقبال انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۷ می‌رود که بسیاری از معادلات سنتی در عرصه سیاسی کشور و حتی جهان بر هم خورده است و احزاب سیاسی اگر صدای طبقات ناراضی از وضع موجود را نشنوند، با همان تلنگری مواجه خواهند شد که هشتم نوامبر آمریکا را به لرزه در آورد.

آیا ترکیه در خاک سوریه و عراق می‌ماند

نیروی شهری (حزب دموکراتیک خلق‌ها) مجبور بود با احزاب ملی‌گرا و جمهوری‌خواه ترک به توافق و همدستی برسد و با اعلام جنگ به کردها بسیاری از شهرهای مناطق کردنشین ترکیه را با خاک یکسان کند. بخش سوم پازل اردوغان و یکسان‌سازی سیاست راهبردی‌اش پس از کودتای نظامی در این کشور رقم خورد. «دسنگیری گسترده مخالفان، برقراری رابطه با روسیه، چرخش تاکتیکی از غرب به سمت شرق، ایجاد ارتباط با دولت سوریه و نشست با ایران همگی دغل‌کاری‌های سیاسی بود که اردوغان از آنها استفاده کرد تا «ارتش بنی چری عثمانی» خود را از درون آن احیا کند و در راستای منافعش و با شدت برخورد با نیروهای داخلی و خارجی، این‌گونه به دنیا بفهماند که بی‌روایی سیاسی است و حرف دنیا را متوجه نمی‌شود. این قسمت از پازل منجر به این شد تا با چراغ سبز روسیه وارد بخش‌هایی از شمال سوریه شود و به آمریکا نشان دهد که به‌خاطر منافعش حاضر است با دشمن غرب هم معامله کند. اینکه ترکیه قصد دارد مانند اشغال قبرس که در چند دهه گذشته رقم خورد، در شمال سوریه و عراق بماند، کاملا بدیهی است و آنها که روزی سرخورده از قرارداد سایپس-یکو بودند، امروز شاهد عملی‌شدن رؤیایشان هستند. ملاک برای ترکیه در حوزه راهبردی‌اش، ورود، تصرف و ماندن است که علاوه بر آنکه آن را حق تاریخی خود می‌داند، در سمت دیگر ماجرا تلاش می‌کند در مقابل هرگونه جریان کردی یا در جناح دیگر، به تضعیف قدرت‌گیری هلال شیعی کمک کند. بنابراین ترکیه ناچار است برای ماندن در عراق و سوریه، هم با غرب و هم با شرق بر سر معادلات راهبردی خود مذاکره کند. بخشی از این مذاکره، منافع اقتصادی و بخش دیگر آن منافع سیاسی است. تأمین‌کردن منافع اقتصادی روسیه از طریق خط انتقال گاز و همچنین خطر کردپور رفت‌وآمد مهاجران به سمت غرب از خاک ترکیه و همچنین انواع روابط زیز و درشت اقتصادی و سیاسی، موقعیت سوق‌الجیشی به این کشور داده تا ترکیه در کانون این بدهستان‌های سیاسی قرار بگیرد و خود را سرمرست از این موقعیتش ببیند.

حضور نظامی و راهبردی آمریکا در پایگاه آنجریلیک و به‌تبع آن حضور پایگاه راهبردی روسیه در لاذقیه سوریه، عمق این مخاصمه سیاسی و بازنگری ترکیه را نشان می‌دهد. در موضوع حضور نظامی ترکیه در خاک سوریه، روسیه



اردشیر زارعی‌قنوتانی

جناح راست فرانسه برای اولین بار انتخابات مقدماتی را برای گزینش کاندیدای نهایی «حزب جمهوری‌خواهان» در روز یکشنبه ۲۰ نوامبر برگزار کرد که با حذف «نیکلای سارکوزی»، رئیس‌جمهوری سابق این کشور، اولین شگفتی انتخابات را رقم زد.

در این انتخابات که برای شرکت عموم فرانسویان به شرط نام‌نویسی و پرداخت دو یورو آزاد بود، سارکوزی با دو نخست‌وزیر اسبق «فرانسوا فیون» و «آلن ژوپه» وارد رقابت شد و طبق معمول این سال‌ها برخلاف نظرسنجی‌ها، فیون با کسب ۴۴٫۲ درصد و ژوپه با ۲۸٫۴ درصد به دور بعدی که قرار است فردا برگزار شود، راه یافتند. رای خارج از پیش‌بینی فرانسوا فیون و اختلاف زیاد آن با رای ژوپه و با توجه به حمایت سارکوزی از فیون به نظر می‌رسد که بتواند تعیین‌کننده انتخاب او برای رقابت نهایی در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۷ از طرف جناح راست تلقی شود. هرچند در این انتخابات مقدماتی سارکوزی به عنوان یک نومحافظه‌کار که تا حدودی شعارهای حزب «جبهه ملی» به رهبری «مارین‌لوپن» را به عاریه گرفته بود، شکست خورد اما پیروزی فیون به نوعی نشان‌دهنده تشدید گرایش به نومحافظه‌کاری تجدیدنظرطلب در جناح راست فرانسه بوده است. چنانچه بسیاری از تحلیلگران نبرد فردا را مبارزه مدل جدید «مارگارت تاچری» فیون در مقابل سنت راست «ژاک شیراکی»، رقیب دیگر ارزپایی می‌کنند. وضعیت کنونی در جناح راست فرانسه تا حدود زیادی متأثر از اوچ‌گیری احزاب راست افراطی در تمامی اروپا از جمله حزب جبهه ملی در این کشور و همچنین افسول و پراکندگی جناح چپ میانه به رهبری حزب «سوسیالیست» است که در چند دهه گذشته با ورشکستگی سوسیال‌دموکراسی اروپایی هم‌پای جناح راست، سیاست‌های محافظه‌کارانه را دنبال کرده‌اند، بوده است.

این وضعیت با توجه به پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات هشتم نوامبر آمریکا و شوک بزرگی که به فضای سیاسی جهان سرمایه‌داری وارد

دکترینی که ترکیه در فضای نظامی از آن تبعیت می‌کند، رویکرد تهاجمی است. رویکردی که اساس منافع ملی‌اش را در اصل ضربه‌زنی در زمین طرف مقابل پایه‌ریزی می‌کند. ورود نظامی ترکیه با همین رویکرد و تحت عنوان مبارزه با داعش و در لویا پشتیبانی از نیروهای میانه‌رو موسوم به «ارتش آزاد» حرکتی برنامه‌ریزی‌شده و هدف‌دار بود که ترکیه در گذر از پنج سال التهاب سیاسی و نظامی در درون و بیرون مرزهایش نهایتاً به آن دست یافت.

هدف راهبردی ترکیه حضور میلیتاری در کانون‌های به نظر آن بحرانی مانند شمال سوریه و شمال عراق است. این کانون‌ها به عنوان مفرهایی که می‌توانند موجب گسترش هویت‌بایی سیاسی کردی شوند و با تأثیرگذاری بر حوزه سیاست داخلی ترکیه، تقابل هویت‌گرایی کردی-ترکی را افزایش دهند، موجب لشکرکشی و تلاش برای متوازن‌کردن قوا با استفاده از عنصر حضور در نقاط بحرانا از سوی ارتش ترکیه شدند. اولین قسمت از پازل ترس حاکمیت ترکیه، وصل‌شدن مناطق کردی شمال سوریه و قدرت‌گرفتن کردها در شمال عراق بود؛ دومین تکه از این پازل و محبوب‌شدن حزب دموکراتیک خلق‌ها در داخل ترکیه و سوسوین بخش از پازل ترس حاکمان ترکیه بود. بنابراین برای وصل‌شدن این سه سر معادله قدرت در این مناطق، ترکیه سعی کرد با فشار بر منطقه اقلیم کردستان عراق علاوه بر آنکه به آنها هشدار دهد که مرزها و تعامل و فروش نفت از طریق خاک ترکیه را به حالت تعلیق درخواهد آورد. اقلیم کردستان عراق را به‌ناچار تبدیل به متحد تاکتیکی خود کرد که البته در این راه با چراغ سبز آمریکا روبه‌رو شد و به دلیل ترس از حضور سیاسی جمهوری اسلامی و چگونگی ارتباطش با دولت عراق به نحوی سعی در بالانس قدرت در منطقه نیز داشت. همه واقع‌گرایی ترکیه در سیاست خارجی و داخلی‌اش پس از انتخابات پارلمان ترکیه شروع شد و این زمان موقعی بود که جنگ با حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) از سر گرفته شد تا بخش دوم پازل خود که همان تخطئه‌کردن جریان هویت‌خواه و چپ‌گرایی مانند حزب دموکراتیک خلق‌ها بود را به بهانه همدستی با پ‌ک‌ک از دور سیاسی خارج کند. این بخش از سیاست «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، بسیار خونین و هزینه‌بردار بود به‌صورتی‌که برای از صحنه‌به‌درکردن دو نیروی کوهستان (پ‌ک‌ک) و